

أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## پیشگفتار

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ الْعِزُّ وَالْكَبْرِيَاءُ، وَاخْتَارَهُمَا لِنَفْسِهِ دُونَ خَلْقِهِ، وَجَعَلَ هُمَا حَمِيًّا وَحَرَمًا عَلَى غَيْرِهِ، وَأَصْطَفَا هُمَا لِجَلَالِهِ، وَجَعَلَ اللَّعْنَةَ عَلَى مَنْ نازَعَهُ فِيهِمَا مِنْ عِبَادِهِ، ثُمَّ اخْتَبَرَ بِذَلِكَ مَلَائِكَتَهُ الْمُقَرَّبِينَ لِيُمَيِّزَ الْمُتَوَاضِعِينَ مِنْهُمْ مِنَ الْمُسْتَكْبِرِينَ»<sup>۱</sup>.

سپاس خدائی راست که عزت و بزرگی را پوشید. این دو را برابر خلق که ویژه خویش گزید، قلمروش را بر دیگران قرقگاه گردانید و تنها به شکوه خداوندگاری خویش اختصاص داد و بر بندگانی که به داعیه‌ی این دو با او بستیزند، لعنت فرستاد. پس آن‌گاه با آن فرشتگان مقربش را آزمود و بدان فروتنان را از مستکبران جدا فرمود.

---

۱ - سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، انتشارات مشرقین، تهران، بی‌تا، خطبه ۱۹۲ (خطبه قاصعه)

در همه‌ی ادیان مشهور (رزدشتی-یهودیت-مسیحیت) مثل اسلام از یک موجود شریر، بدخواه و بد کار که با انسان و مصالح او سرستیز دارد، نام برده شده است ولی وضع این موجود از حیث ماهیت، صفات و حدود اختیارات کاملاً متفاوت است.

بی‌شک این اختلاف از ناحیه‌ی آن ادیان نیست، زیرا همه‌ی ادیان الهی از صدر عالم تا خاتم یک دین بیش نیستند که در چهره‌های مختلف ظاهر شده‌اند: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»<sup>۱</sup> و هم پیامبران یکسان هستند: «لَأَنْفَرُقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ»<sup>۲</sup>. بلکه این اختلاف از آن‌جا ناشی شده است که کتب اصلی آن ادیان آن طور که وحی مستقیم بوده است از بین رفته است.<sup>۳</sup>

پس افراد ناآشنا با آن ادیان آن‌طور که توانستند و خواستند، آن را نوشتند. از این رهگذر علاوه بر تحریف- که کم نیست- تأویل و تفسیرهایی از مطالب آن‌ها شده است که برخاسته از جهان‌بینی نویسندگان بوده است نه از جهان‌بینی آن دین الهی.

از موضوعاتی که در قرآن کریم به صورت گسترده مطرح شده است موضوع شیطان است و مطالب مهمی پیرامون «شیطان» آمده است که هر عاقلی را سخت تکان می‌دهد و به تأمل جدی وامی‌دارد. در این‌جا بخشی از آن را می‌آوریم .

شیطان نسبت به پروردگارش نا فرمان بود: «إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا» (مریم/۴۴)

شیطان دشمن آشکار انسان است: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (یوسف/۵)<sup>۴</sup>

شیطان بسیار شکست‌دهنده و خوارکننده‌ی انسان است: «وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا»

(فرقان/۲۹)

---

۱- آل عمران/۱۹.

۲- بقره/۲۸۵.

۳- نوری، یحیی، اسلام و عقاید و آراء بشری، مجمع مطالعات و تحقیقات اسلامی، چاپخانه افست، تهران، دی ماه ۱۳۵۴، ص ۳۸۶-۴۰۵-۴۴۵.

۴- این مضمون در بیش از ۱۳ آیه آمده است.

شیطان آدم(ع) و حوا را فریب داد و از بهشت بیرون کرد: «فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ» (بقره ۳۶)

شیطان اعمال بد مردم را زینت می‌دهد: «وَزَيَّنَ لَهُمَ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ» (نمل ۲۴)<sup>۱</sup>

شیطان میان بنی آدم دوستانی دارد: «أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ» (نساء ۷۶)

کسی که شیطان را ولی بگیرد دچار خسران روشنی شده است: «وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا» (نساء ۱۱۹)

شیطان میان بنی آدم حزب دارد و حزب او زیان‌کارند: «أَوْلَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (مجادله ۱۹)

آن چه ذکر شد نمونه‌ای بود از آن چه در قرآن راجع به شیطان آمده است و همین مقدار هم به وضوح تحقیق از موضوع شیطان نشان می‌دهد زیرا طبق آیات قرآن، شیطان دشمن آشکار انسان است و شناخت دشمن به حکم عقل و شرع از ضروریات است. عقل همان‌طور که به اصل ضرورت شناخت دشمن حکم می‌کند نوع آن هم تعیین می‌کند. شناخت دشمن باید به گونه‌ای باشد که ما را بر دفع دشمن توانا سازد و شناخت این خاصیت را دارد که این اطلاعات از دشمن بدهد:

۱- عداوت دشمن از کجا ناشی شده است؟

۲- انگیزه‌ی دشمن بر دشمنی چیست؟

۳- عُدّه و توانش برای جنگیدن چقدر است؟

۴- عِدّه و نفراتش برای جنگیدن چقدر است؟

۵- نقطه‌ی ضعف و راهی که می‌توان در دشمن نفوذ کرد و از شرش رهایی پیدا کرد کجاست؟

---

۱- در قرآن هشت بار تزئین اعمال را به شیطان اسناد داده شده است و باید توجه داشت که اصلی‌ترین و خطرناک‌ترین کار شیطان همین تزئین اعمال است.

با وجود این که در مورد ابلیس و شیطان سؤال‌های فراوانی در ذهن همه‌ی ما وجود دارد، ولی هنوز جواب‌های مناسبی برای این‌گونه سؤال‌ها داده نشده است. یکی از علت‌های عدم دست‌یابی به اطلاعاتی در این باره، عدم بحث از این مسئله است. با این وجود در منابع اولیه‌ی حدیثی، تفسیری، تاریخی و ... آگاهی‌های قابل توجهی در این باره آمده است. از دیگر دلایل این بی‌اطلاعی، نبود کتاب‌های مستقل و جامع در این زمینه است. به همین منظور این نوشته را در پنج فصل ترتیب داده شده است :

### **فصل اول : کلیات**

در این فصل، بحث‌هایی را در باره‌ی شیطان، اوستا و محتوای آن، انجیل و تورات و کتب مربوط به آن و... مطرح خواهیم کرد.

### **فصل دوم : کاربرد واژه شیطان در قرآن**

در این بخش بحث‌هایی درباره‌ی واژه‌ی شیطان و ابلیس، ویژگی‌های شیطان، نام و القاب ابلیس، مصادیق شیاطین در قرآن و... مطرح خواهیم کرد.

### **فصل سوم : شیطان در اوستا**

در این بخش بحث‌هایی درباره‌ی ویژگی‌های اهریمن و مقایسه‌ی آن با ابلیس مطرح شده است.

### **فصل چهارم : شیطان در عهدین (انجیل و تورات)**

در این بخش به صفات شیطان که در کتاب تورات و انجیل آمده اشاره شده و به شبهاتی که در مورد ابلیس(شیطان) مطرح می‌باشد، پاسخ داده شده است.

### **فصل پنجم : شبهات ابلیس**

در این بخش شبهات ابلیس گفته و به هریک از آنها جواب داده می شود تا حکمت های آن بر انسان آشکار گردد.

**فصل اول**

**کلیات**

## ۱-۱- ابلیس (شیطان)

ابلیس موجودی است از جنس جن و ذی شعور که در آغاز با فرشتگان الهی بود و به دلیل نافرمانی خداوند متعال، رانده شد و تا قیامت خواهد کوشید فرزندان آدم(ع) را گمراه کند.<sup>۱</sup> گفته‌اند که نام پیشین ابلیس «حارث» و به زبان عبرانی «عزرائیل - بزائین» و کنیه‌اش «ابومرّه» بوده است و چون از بارگاه الهی رانده شد، شیطان نام گرفت.<sup>۲</sup>

ابلیس همان کسی است که در مقابل فرمان سجده بر آدم(ع) که از سوی خداوند صادر شد، تمرد ورزید و به واسطه‌ی این عدم اطاعت، کافر شد و قسم خورد که بندگان خدا را گمراه سازد. ابلیس در این راه از کمک و یاری گروهی دیگر از جنیان که آنان نیز از ایمان به خدا و رسولانش بهره‌ای نبرده‌اند بهره می‌گیرد و بدین وسیله انسان را به وادی هلاکت و به سوی آتش خشم خدا و دوزخ او سوق می‌دهد.

برخی عقیده دارند که شیطان، اسمی است برای هر فرد پلید و بدخوی از جن و انس و حیوانات، همان‌گونه که در آیات متعدد قرآن کریم تأکید شده است مانند: «شَیَاطِینِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ»<sup>۳</sup>.

## ۱-۲- اوستا

اوستا در لغت به معنی اساس، بنیاد، متن اصلی و پناه و یآوری باشد. در پهلوی اوستاک،

---

۱ - طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰ه ق، ج ۸، ص ۴۴.  
۲ - طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تصحیح سید احمد حسینی، نشر الثقافه الاسلامیه، لات، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۴۰.  
۳ - انعام/۱۱۲  
۴ - راغب اصفهانی، ابوالقاسم، مفردات الفاظ القرآن، ترجمه غلام‌رضا خسروی حسینی، کتابفروشی مرتضوی، تهران، بی تا، ج ۲، ص ۴۶۳.

در متون عربی بستانه، ابستا و الابستاق، کتاب مذهبی ایرانیان قدیم و زردشتیان است.<sup>۱</sup>

واژه‌ی اوستا در خود کتاب نیامده و مرکب است از پیشوند «آ» و صفت مفعولی «ویسته»

از مصدر (وید) یا (وئد) به معنی شناختن، دانستن، یافت شدن، پدید آمدن که با واژه‌ی «ودا» نام

کهن‌ترین کتاب دینی هندوان نیز هم‌ریشه است. بر روی هم رفته اوستا را می‌توان به معنی آگاهی -

نامه یا دانش‌نامه دانست.<sup>۲</sup>

البته دکتر علی جعفری اوستا را به معنی سخن سر بسته، گوهر نهفته، راز نهانی، کلام

آسمانی، رمز باطنی و بالاتر از فهم نارسایی جهانیان گرفته است.<sup>۳</sup>

کتاب دینی زردشتیان اوستا نام دارد و بدین جهت زبانی را که این کتاب بدان نوشته شده

است «اوستایی» نامیده‌اند. جز کتاب اوستا و آثار وابسته به آن هیچ اثر دیگری به این زبان در

دست نیست. بنا بر روایت اوستا و کتاب‌های پهلوی<sup>۴</sup>، همهی مطالب این کتاب را اهورامزدا به

زردشت الهام و ابلاغ کرده است. همهی اوستا از نظر زبان یک دست نیست. علت تفاوت زبانی

میان متون اوستایی رامی توان به دو عامل نسبت داد:

الف: قدمت بعضی از آثار بیش‌تر از دسته‌ی دیگر است.

ب: اختلاف لهجه میان این دو دسته آثار وجود داشته است.

---

۱ - مصاحب، غلام‌حسین، دائرة المعارف فارسی، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۵۲.

۲ - دوست خواه، جلیل، اوستا، انتشارات فکر روز، تهران، ۱۳۷۶، ص ۹۳۲.

۳ - جعفری، علی، معنی اوستا، نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، دور چهارم، شماره دوم، اسفند ماه ۱۳۴۹، ص ۸.

۴ - ترجمه و تفسیر اوستا به پهلوی اصطلاحاً «زنده» خوانده می‌شود. روش کار در ترجمه‌های اوستا چنین است که بندی یا عبارتی از اوستا به پهلوی لفظ به لفظ ترجمه می‌شود و پس از هر کلمه یا جمله تفسیری بدان افزوده می‌گردد؛<sup>۱</sup> تفصیلی، حمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۱۵ و ۱۲۶.

اوستایی که اکنون در دست ماست، تنها یک چهارم کتابی است که در دوره‌ی ساسانیان وجود داشته است که از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است و آن را به پنج قسمت تقسیم می‌کنند: یسن‌ها، ویسپرد، ونیدادا، یشت‌ها و خرده اوستا.<sup>۱</sup>

### ۱-۲-۱- یسن‌ها

یسن تحت اللفظی به معنی «پرستش و نیایش» و از نظر اشتقاق لغوی با کلمات جشن و ایزد فارسی هم‌ریشه است. تعداد یسن‌ها ۷۲ تاست.<sup>۲</sup>

یسنا نخستین بخش و مهم‌ترین و مورد توجه‌ترین قسمت اوستا می‌باشد که دارای ۷۲ هات (فصل) است. زردشتیان بند مقدسی را به کمر می‌بندند که از ۷۲ تار نخ بافته شده که اشاره به ۷۲ فصل می‌باشد. از این ۷۲ هات، ۱۷ هات معروف به گاهان می‌باشد که از سروده‌های خود زردشت می‌باشد. در مراسم دینی زردشتیان، سروده‌های یسنا خوانده می‌شود.<sup>۳</sup>

### ۱-۲-۲- ویسپرد

ویسپرد تحت اللفظی به معنای سروران است و شباهت کاملی به یسن‌ها دارد و مطالب آن از این متون اقتباس شده و مکمل آن‌ها است. ویسپرد همراه با یسن‌ها و خصوصاً در مراسم دینی نوروز و جشن‌های شش‌گانه فصلی (گاهنبار) خوانده می‌شود. ویسپرد دارای ۲۴ بخش می‌باشد.<sup>۴</sup>

---

۱ - همان، ص ۳۶.

۲ - همان، ص ۴۰.

۳ - رضی، هاشم، اوستا، چاپ سوم، انتشارات بهجت، تهران، ۱۳۸۱، ص ۲۳۳-۲۳۶ و مصاحب، ج ۱، ص ۳۵۲.

۴ - تفصیلی، ص ۴۲.



پیام ساده‌ی ویسپرد، نهایت مرز عبادت و خداشناسی از دیدگاه مردمی ساده دل و پاک دل است. ویسپرد، ستایش و بزرگ داشت و ارج نهادن به همه عناصر نیک این جهان و پدیده‌ها و شادی‌ها و جشن‌ها به شمار می‌رود که در غایت، همه سپاس به درگاه خداوند محسوب می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۱-۲-۳-وندیدا

لغت وندیدا که صورت قدیم‌تر آن «ویدوداد» است. اصلاً به معنی (کسی که قانونش جدایی و دوری از دیوان است). دیو در اصل به معنی خدا بوده است یعنی آن دسته از خدایانی هند و ایرانی که زردشت آن‌ها را مطرود دانسته است که به معنی امروزی یعنی «شیطان و عفریت» درآمد. وندیدا مجموع قوانین طهارتی و گناهان و جرائم و تاوان آن‌ها می‌باشد که به صورت سؤال و جواب تدوین شده و دارای ۲۲ فرگرد (فصل) است.<sup>۲</sup>

### ۱-۲-۴-یشت‌ها

یشت‌ها از نظر لغوی هم ریشه با کلمه یسن است و معنی تحت اللفظی آن نیز «پرستش و نیایش» است. یشت‌ها سروده‌هایی هستند که عموماً به ستایش خدایان قدیم ایرانی مانند مهر، ناهید و غیره اختصاص دارند. روی هم رفته ۲۱ یشت در دست می‌باشد که از نظر قدمت یکسان نیستند.<sup>۳</sup>

در شمار یشت‌ها اختلافاتی وجود دارد و حتی برخی شمار یشت‌ها را به ۳۰ و ۳۱

رسانیده‌اند. یشت‌ها به دو بخش تقسیم می‌شوند:

---

۱- رضی، ص ۳۰۲ و ۳۰۳.

۲- تفصیلی، ص ۶۰ و ۶۱.

۳- همان، ص ۴۴.

الف: یشت قدیم که قدمت و اصالت بیشتری دارند و سروده‌هایی مربوط به دوران متقدم زردشتی و دین آریائیان است.

ب: یشت‌های جدید که در دوران آئین زردشتی تدوین شده است.<sup>۱</sup>

### ۱-۲-۵- خرده اوستا

مجموعه‌ای از دعاهای کوتاه خاص مردم عادی زردشتی که آن‌ها را در موقعیت‌های خاصی می‌خوانند، در برابر دعاهایی که خواندن آن‌ها در مراسم دینی خاص روحانیون است. مهم‌ترین بخش‌های اوستا عبارتند از: نیایش (پنج دعا به نام: خورشید، مهر، ماه، آب و آتش)، گاه (در پنج هنگام شبانه‌روز خوانده می‌شود)، سی روزه (متعلق به سی ایزد) و آفرینگان (دعاهای همراه با نذر).<sup>۲</sup>

از سوی دیگر متون اوستایی را بر اساس ویژگی‌ها و قدمت زبانی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف: متون اوستایی اخیر که در موارد فوق توضیح داده شد.

ب: متون گاهانی

متون گاهانی شامل گاهان (یا چنان که در فارسی مصطلح شده «گات‌ها» یا «گاث‌ها»)، یسن‌های هپتنگه‌ایتی (یسن‌های هفت فصل، یسن‌های ۳۵ تا ۴۱ را تشکیل می‌دهد و به نثر می‌باشند) و چهار عدد مذکور در یسن ۲۷ است. گاهان جمع گاه (در اوستا گاثا به معنی سرود) قدیم‌ترین بخش از اوستا و کهن‌ترین اثر ادبی ایران است که بر جای مانده است. سراینده این

---

۱- رضی، ص ۳۱۶ و ۳۲۵.

۲- تفصیلی، ص ۴۲ و ۴۴.

سرودها خود زردشت است که شامل بر ۱۷ سروده است که در اوستای کنونی در میان یسن قرار

دارد. گاهان پنج بخش دارد:

الف: آهونَوَد (یسن ۲۸ تا ۳۴)

ب: اُشتود (یسن ۴۳ تا ۶۴)

ج: سَپتَمَد (یسن ۴۷ تا ۵۰)

د: وُهوخَشر (یسن ۵۱)

ه: وهیشتویشت (یسن ۵۳)<sup>۱</sup>

### ۱-۳- بُندَه‌شَن

بندَه‌شَن به معنی آفرینش آغازین یا بنیادین است و چون شهرت کتاب به این نام از آن

جهت بوده است که مهم‌ترین فصل آن مربوط به آفرینش است.<sup>۲</sup> به آن بندَه‌شَن می‌گویند.

دارای ۳۶ فصل است و مطالب آن به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف: آفرینش اورمزد و دشمنی اهریمن

ب: چگونگی آفریدگان

ج: کبانیان (نسب آنان و اتفاقات زمان آن) نثرساده، جملاتی کوتاه و روشن و بی‌تعقید نوشته شده

است.

---

۱- همان، ص ۳۶ تا ۳۸.

۲- همان، ص ۱۴۱.

## ۱-۴- دینکرد

از نظر لفظی به معنای تألیف دینی است. این کتاب مبتنی بر اوستا و ترجمه‌های آن است و شامل نُه کتاب بوده و به خاطر در برداشتن مطالب گوناگون «دینکرد» را به درستی «دانش نامه مزدیسی» نام نهاده اند.<sup>۱</sup>

## ۱-۵- مغ

به قول هرودت در اصل طایفه‌ای از طوایف شش گانه که شغل روحانیت به آنان تعلق داشت. پس از استیلای شریعت زردشت بر ماد و پارس، مغان پیشوایان دین جدید شدند. مغ در زبان عربی به صورت مجوس درآمده است.<sup>۲</sup>

مغها موبد زردشتی و کارشان اجرای مراسم دینی بوده است. کلمه مغ و مشتقات آن در گات‌ها آمده است از جمله کلمه «مگه» (یسنا ۲۹ قطعه ۱۱، یسنا ۴۶ قطعه ۱۴، یسنا ۵۱ قطعه ۱۱).<sup>۳</sup>

کتابی که امروز به عنوان کتاب دینی زردشتیان با نام «اوستا» در دنیا مشهور است مجموعه‌ای از سرودهای آسمانی، نمازها، سرودهای حماسی، مراسم و آداب دینی است. کتاب اوستا تنها کتابی است به زبان اوستایی که ما را از فرهنگ و باور و اندیشه‌های نیاکان آگاه می‌سازد. بسیاری از این اندیشه‌ها به نگه‌داری سینه به سینه در گذر زمان سبب به وجود آمدن کتاب‌های دیگر از جمله بندهش، دینکرد و ... گردید.

---

۱ - همان، ص ۱۲۸.

۲ - مصاحب، ج ۲، ص ۲۸۱۲.

۳ - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین، موسسه لغت نامه دهخدا، تهران، ۱۳۳۷، ج ۲۵، ص ۷۷۹ و دوستخواه، ص ۱۰۵۴.

## ۱-۶- مجوس

لفظ مجوس فقط یک بار در قرآن مجید آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (همانا آنان که ایمان آوردند و آنان که جهود شدند و صابیان و ترسایان و مجوس و آنان که شرک ورزیدند همانا خدا در روز قیامت بین آنان حکم می کند).

مراد از مجوس در آیه کریمه «پیروان زردشت»<sup>۲</sup> است و شاید پیروان مانی هم ناظر باشد زیرا آئین مانوی قبل از اسلام در عربستان رایج بوده و اعراب مانویان را به نام مجوس می شناختند.<sup>۳</sup>

کلمه‌ی مجوس ایرانی الاصل است. منظور از مجوس پیروان دین مزدیسا یا زردشتیان است و برخی مجوس را معرب لفظ یونانی «ماگوس» پنداشته‌اند.<sup>۴</sup> مسترهاکس معتقد است که خادمان دین زردشت را مجوس می نامند.<sup>۵</sup>

## ۱-۷- کتاب مقدس

«کتاب مقدس» عنوان مجموعه‌ای از نوشته‌های کوچک و بزرگ است که مسیحیان همه، و یهودیان بخشی از آن را «کتاب آسمانی و الهی» خود می دانند. عنوان معروف این مجموعه در

۱ - حج/۱۷.

۲ - طباطبایی، المیزان، ج ۱۴، ص ۳۵۸.

۳ - خزائلی، ص ۵۴۷.

۴ - خرماهی، بهاء‌الدین، دانش نامه قرآن پژوهی، انتشارات دوستان-ناهد، تهران، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۹۸۴.

۵ - مسترهاکس، قاموس کتاب مقدس، چاپ اول، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۹۸م، ص ۷۸۵.

زبان انگلیسی و بیشتر زبان‌های اروپایی «بایبل» (Bible) و یا کلمه‌های هم خانواده‌ی آن است که

از کلمه‌ی یونانی (Biblia) به معنای «کتاب‌ها» گرفته شده است.<sup>۱</sup>

در زبان‌های فارسی و عربی عنوان «عهدین» نیز برای این کتب به کار می‌رود. عنوان

مزبور به این اعتقاد مسیحیان اشاره دارد که خدا دو عهد و پیمان با انسان بسته است. یکی «عهد

قدیم» که در آن خدا از انسان پیمان گرفته است که بر شریعت الهی گردن نهد و آن را انجام دهد.

این عهد و پیمان ابتدا با حضرت ابراهیم(ع) بسته شده و در زمان حضرت موسی(ع) تجدید و

تحکیم گردیده است. با ظهور حضرت عیسی(ع) دوران عهد و پیمان مزبور پایان یافته و خدا

عهد دیگری با انسان بسته است. این «عهد جدید» پیمان بر سر محبت خدا و عیسی(ع) است.

کتاب‌های مربوط به دوره‌ی اول را «عهد قدیم» و کتاب‌های مربوط به دوره‌ی دوم را «عهد جدید»

می‌خوانند و هر دو قسمت را مقدس و معتبر می‌شمارند.<sup>۲</sup>

اما یهودیان معتقدند که خدا تنها یک پیمان با انسان بسته و آن هم پیمان «شریعت» است. بر این

اساس، آنان تنها بخش عهد قدیم را - که «عهد» می‌نامند - قبول دارند.

## ۱-۸-عهد

یکی از معانی کلمه عهد، اندرز و وصیت می‌باشد و به آن که عهده‌دار امور باشد، عهد

می‌گویند.<sup>۳</sup> در قرآن عهد به معانی زیر به کار رفته است:

---

۱ - توماس میشل، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، چاپ اول، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۷۷، ص ۲۳.

۲ - القس صموئیل، یوسف، المدخل الی العهد القدیم، چاپ اول، دارالثقافه، قاهره، ۱۹۹۳م، ص ۳۲.

۳ - دهخدا، ج ۲۰، ص ۴۳۸.

۱- عهد عبارت است از پیمان بستن بر چیزی<sup>۱</sup>

«وَالْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا»<sup>۲</sup> (و کسانی که اگر پیمان بستند به پیمان خویش وفا دارند).

۲- به معنای حفظ چیزی و نگهداری آن، چیزی را از حالی به حال دیگر مورد مراقبت قرار دادن

است. نیز پیمانی که نگهداری آن لازم است را «عهد» گویند.<sup>۳</sup>

«وَأَفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا»<sup>۴</sup> (وبه عهد وفا کنید به درستی که از عهد سؤال می شود).

در کتاب مقدس کلمه «عهد» به معانی زیر به کار رفته است:

۱- شرطی است که میانه‌ی انسان و حضرت باری برقرار می شود. مانند عهد خداوند و حضرت

ابراهیم(ع).<sup>۵</sup>

۲- عهدی که میانه‌ی انسان و شخص دیگر باشد. مانند عهد ابراهیم(ع) و ابی مالک.<sup>۶</sup>

۳- گاهی مقصود یادآوری فریضه است.<sup>۷</sup>

## ۱-۹- منظور از عهدین

عهدین همان تورات و انجیل هستند که تورات را «عهد عتیق یا قدیم» می گویند و میثاق

خداوند با یهودیان است. کتابی است مشتمل بر شریعت موسی(ع) که مطالب تاریخی،

---

۱ - طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، تهران،

۱۳۶۳، ج ۱، ص ۶۱۲.

۲ - بقره/۱۷۷.

۳ - راغب اصفهانی، ص ۵۹۱.

۴ - اسراء/۳۴.

۵ - ویلیام گلن، هنری مرتن، کتاب مقدس(عهد عتیق و عهد جدید)، ترجمه فاضل خان همدانی، چاپ اول، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۸۰،

تورات پیدایش، باب ۱۷.

۶ - همو، پیدایش، باب ۲۱، شماره ۲۷.

۷ - همو، عهد عتیق، لاویان، باب ۲۴، شماره های ۹-۷.

پیشگوئی‌ها، اشعار و نوشته‌های دیگر یهودیان جملگی پیش از تولد عیسی(ع) و میثاق مذکور در آن آمده است.<sup>۱</sup> عهد جدید آن قسمت از کتابی مقدس که مختص مسیحیان است و مربوط به قدیمی‌ترین ادوار مسیحیت می‌باشد.<sup>۲</sup>

## ۱-۱۰-۱ عهد قدیم (عتیق)

عهد قدیم، که تنها بخش مورد اعتقاد یهودیان و قسمتی از کتاب مسیحیان است، قریب سه چهارم کتاب مقدس را در بر می‌گیرد. بیش‌تر کتاب‌های این بخش به زبان عبری و اندکی از آن به زبان کلدانی نوشته شده است. این مجموعه مشتمل بر ۳۹ کتاب است.<sup>۳</sup> عهد عتیق بر چندین کتاب اطلاق می‌شود و نام آن‌ها از این قرار است:

### ۱-۱۰-۱-۱ تورات و آن مشتمل بر پنج سفر است

۱- سفر پیدایش(تکوین): در این کتاب از چگونگی خلقت جهان و انسان صحبت شده است. داستان این کتاب با اولین بشر یعنی آدم(ع) و همسر او حوا شروع می‌شود و با مرگ حضرت یوسف(ع) در مصر خاتمه می‌یابد.

۲- سفر خروج: این کتاب دنباله‌ی ماجراهای بنی‌اسرائیل را بیان می‌کند. «ده فرمان» که خدا به موسی(ع) وحی کرد در این مقطع آمده است.

۳- سفر لاویان: این کتاب نام خود را از یکی از اسباط بنی‌اسرائیل یعنی سبط لاوی که کاهنان بنی‌اسرائیل همه از این سبط بودند، گرفته است.

---

۱ - خوئی، ابوالقاسم، ترجمه بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، به کوشش صادق نجمی و هاشم هریسی، مجمع ذخائر اسلامی، تهران، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۵۸- سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیرالقرآن، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، چاپ پنجم، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۷۸.

۲ - مصاحب، ج ۲، ص ۱۷۸۶.

۳ - سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، آشنایی با ادیان ۳، چاپ دوم، انجمن معارف اسلامی ایران، قم، پاییز ۱۳۸۵، ص ۲۰.



۴- سفر اعداد: این کتاب ماجراهای قوم بنی اسرائیل را در سرگردانی در بیابان بیان می‌کند.

۵- سفر تثئیه: «کلمه تثئیه» به معنی تکرار است. این کتاب را به این نام خوانده‌اند چرا که دستورات کتاب‌های دیگر در آن تکرار شده است.

### ۱-۱۰-۲- مکتوبات مورخان و آن مشتمل بر ۱۲ کتاب است

۱- صحیفه یوشع: یوشع(ع) جانشین حضرت موسی(ع) بود که بنی اسرائیل را به اطاعت از خدا فرا می‌خواند.

۲- سفر داوران: پس از حضرت یوشع(ع) یک دوره ۳۵۰ ساله بر بنی اسرائیل گذشت که به دوره‌ی «داوران» (قضاوت) معروف است.

۳- کتاب روت: نام زنی از جدّه‌های حضرت داود(ع) است.

۴- کتاب اول سموئیل: سموئیل نبی(ع) آخرین داور بنی اسرائیل بود.

۵- کتاب دوم سموئیل: سرگذشت حضرت داود(ع) را پس از شائول(یکی از پادشاهان بنی اسرائیل) بیان می‌کند.

۶- کتاب اول پادشاهان: در مورد سرگذشت حضرت سلیمان(ع) می‌باشد.

۷- کتاب دوم پادشاهان: ادامه‌ی کتاب اول پادشاهان است.

۸- کتاب اول تواریخ ایام: تکرار تاریخ بنی اسرائیل از دیدگاهی دیگر است.

۹- کتاب دوم تواریخ ایام: ادامه‌ی کتاب اول تواریخ ایام که به ماجرای سلیمان(ع) و ساخته شدن معبد و ملکه‌ی سبا می‌پردازد.

۱۰- کتاب عزرا: این کتاب به پایان یافتن اسارت بنی اسرائیل به دست کورش و بازگشت آنان به وطن خویش می‌پردازد.

۱۱- کتاب نَحیما: ماجرای بازگشت «نحیما» به اورشلیم به عنوان نماینده‌ی پادشاهان ایران و غیره می‌پردازد.

۱۲- کتاب استر: داستان دختر یتیم یهودی به نام «استر» را بیان می‌کند.

### ۱-۱۰-۳- کتاب ایوب:

داستان زندگی حضرت ایوب(ع) و بلایا و مصیبت‌هایی را که بر او وارد شده بیان می‌کند.

### ۱-۱۰-۴- کتاب مزامیر:

یا «زبور» داود مجموعه‌ای از شعرها و سروده‌ها درباره‌ی نیایش و توکل بر خداست.

### ۱-۱۰-۵- کتب سلیمان:

آن مشتمل بر سه کتاب است:

۱- کتاب امثال: عمده‌ی آن منسوب به سلیمان(ع) که بر اهمیت دانش و خدا ترسی تأکید می‌کند.

۲- کتاب جامعه: این کتاب یک فلسفه بدبینانه قلمداد می‌شود. نویسنده این کتاب همه چیز را پوچ می‌داند زیرا شر و بدی و مرگ سایه خود را بر همه چیز افکنده است.

۳- کتاب غزل‌های سلیمان: مجموعه‌ای از اشعار عاشقانه که به حضرت سلیمان(ع) منسوب می‌باشد.

### ۱-۱۰-۶- مکتوبات پیغمبران بعد از موسی(ع):

مشتمل بر ۱۷ کتاب است:

۱- اشعیا: این کتاب بیش‌تر گناه و پیامدهای آن را به قوم اسرائیل هشدار می‌دهد.

۲- ارمیا: در مورد چگونگی به نبوت رسیدن ارمیا و این که مردم زیربار ارمیا نمی‌روند را توضیح می‌دهد.

- ۳- مرثی ارمیا: ارمیای نبی(ع) پس از ویرانی اورشلیم و اسارت قوم خود این کتاب را نوشته است.
- ۴- حزقیال نبی: در مورد دلداری و پیشگوئی‌های حزقیال نبی(ع) است.
- ۵- دانیال نبی: شرح زندگی دانیال نبی(ع) و رؤیاهای او درباره‌ی آینده را شامل می‌شود.
- ۶- هوشع: شرح زندگی هوشع و پیامدهایی که خدا به واسطه او به مردم فرستاده را شامل می‌شود.
- ۷- یوئیل: او مردم را انداز می‌کرد و از آن‌ها می‌خواست که توبه کنند.
- ۸- عاموس: مردم را به راه راست دعوت می‌کرد و از روز داوری می‌ترساند.
- ۹- عوبدیا: درباره‌ی قوم «ادوم» از نسل «عیسو» برادر یعقوب(ع) است.
- ۱۰- یونس: درباره‌ی یونس(ع) و دستوراتی که خدا به او داده است.
- ۱۱- میکاه: در مورد میکاه نبی(ع) و پیشگوئی مسیح مطالبی آورده شده است.
- ۱۲- ناحوم: این کتاب از قدرت و مهربانی خداوند سخن می‌گوید.
- ۱۳- حَبَّقُوق: در مورد زندگی حَبَّقُوق پیامبر(ع) می‌باشد.
- ۱۴- صَفَنیَا: صفنیا از شکوه اسرائیل سخن می‌گوید که خدا به آن باز خواهد گرداند.
- ۱۵- حَجَّی: این کتاب مربوط به زمانی است که قوم از اسارت باز می‌گردند و به بازسازی خانه خدا پرداختند.
- ۱۶- زکریا: زکریا مردم را به ساختن خانه خدا تشویق و از آمدن مسیح موعود خبر می‌دهد.
- ۱۷- ملاکی: او کاهنان و مردم را انداز می‌کرد که وظایف خود را در قبال خانه خدا انجام دهند.<sup>۱</sup>

۱- همان، ص ۳۰، ویلیام گلن، ص ۱، مصاحب، ج ۲، ص ۱۷، بلاغی، صدر الدین، قصص قرآن با فرهنگ قصص قرآن، چاپ دوازدهم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰، ص ۳۹۷.

## ۱-۱۱- عهد جدید

بخش دوم کتاب مقدس «عهد جدید» است که تنها مسیحیان آن را قبول دارند و یهودیان آن را معتبر نمی‌دانند. این بخش نیز مشتمل بر کتاب‌ها و رسالات متنوع و نیز مطالب گوناگونی است. عهد جدید به زبان یونانی نوشته شده و علت این امر، آن است که با کشورگشایی اسکندر و ایجاد یک امپراطوری بزرگ، زبان و فرهنگ یونانی در بسیاری از مناطق تبلیغ شد و زبان یونانی به عنوان زبان علمی و زبان دوم مورد توجه قرار گرفت.<sup>۱</sup>

عهد جدید شامل کتاب‌هایی است که عبارتند از:

- ۱- انجیل متی: انجیل اول که غالب محققان برآند که بین سال‌های ۶۵-۷۰م- یعنی بیش از ۳۰ سال پس از حیات زمینی حضرت عیسی-نوشته شده، به این حواری منتسب است. در این انجیل سخنی از الوهیت عیسی(ع) نیست و از نسب، تولد، کودکی، تبلیغ، معجزات، مصلوب شدن عیسی(ع) و سرانجام برخاستن او از میان مردگان با تفصیل نسبی آمده است.
- ۲- انجیل مرقس: این انجیل کوتاه‌ترین و قدیمی‌ترین اناجیل است و تاریخ آن به سال‌های ۶۵-۷۰ بر می‌گردد، به مرقس منسوب است. او شاگرد خاص «پطرس» حواری بود. از نظر محتوا و سبک مانند انجیل متی می‌باشد با این تفاوت که مختصرتر است.
- ۳- انجیل لوقا: لوقا به دست «پولس» ایمان آورد و شاگرد او شد. این انجیل هم‌زمان با انجیل متی یا اندکی پس از آن نوشته شده است. از نظر سبک و محتوا شبیه به دو انجیل قبل است.

---

۱ - سلیمانی اردستانی، ص ۳۳.